



پیش‌بینی شهادت «حجر بن عدی» توسط امام علی(ع)

امیرالمومنین علی (ع) فرمود: «شگفت و تمام شگفت آن واقعه‌ای است که بین ماه جمادی و ماه رجب واقع می‌شود» و نیز گفته‌اند: «کدام شگفتی بالاتر از آنست که مردگانی بر سر زندگانی بزنند؟»

حجر در کلام علامه طهرانی

پیش‌بینی شهادت «حجر بن عدی» توسط امام علی(ع)

امیرالمومنین علی (ع) فرمود: «شگفت و تمام شگفت آن واقعه‌ای است که بین ماه جمادی و ماه رجب واقع می‌شود» و نیز گفته‌اند: «کدام شگفتی بالاتر از آنست که مردگانی بر سر زندگانی بزنند؟»

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، حجر بن عدی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین علی (ع) بود که چند روز قبل عناصر وهابی تکفیری در شنیع‌ترین اقدام خود با هدف دامن زدن به آتش تفرقه بین مسلمانان با حمله به مرقد مطهرش و تخریب ضریح و نبش قبر آن صحابی جلیل‌القدر، پیکر او را بیرون کشیده و با خود به سرقت بردند.

این اقدام زشت و شنیع، صرف نظر از مسائل ناراحت کننده آن، موجب شد بار دیگر، نام و یاد حجر بن عدی بر سر زبان‌ها بیفتد و حتی کسانی که این صحابی معروف پیامبر (ص) و امام علی (ع) را نمی‌شناختند وی را بشناسند. (عدو شود سبب خیر، گر خدا خواهد)

یکی از علمای بزرگی که درباره شخصیت و کیفیت شهادت حجر بن عدی در جاهای مختلف سخن گفته، علامه سید محمد حسین طهرانی است. وی در کتاب امام شناسی جلد 12 صفحه 163 درباره حجر بن عدی می‌نویسد:

در کتاب «معرفت و تاریخ» از تسوی وارد است که گفت: رَزین غافقی گفت: من از علی بن ابی طالب علیه‌السلام شنیدم که می‌گفت: یا أَهْلَ الْعِرَاقِ سَيُقْتَلُ مِنْكُمْ سَبْعَةُ بَعْدَاءٍ، مِثْلَهُمْ كَمِثْلِ أَصْحَابِ الْأَحْذُودِ «ای اهل عراق بزودی از شما هفت نفر در عذراء کشته می‌شوند، مثل ایشان مانند مثل اصحاب اخدود است». و حُجر بن عدی و اصحاب او در عذراء کشته شدند.

حجر بن عدی کندی کوفی از اعظم اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و از ابدال آنهاست. در کیاست و زهد و عبادت، در عرب مشهور بوده است.

گویند شبانه روزی هزار رکعت نماز می‌گزارده است. اصحاب تراجم و رجال، حال او را مفصلاً بیان کرده‌اند. از جمله ابن اثیر در «اسد الغابة» و ما اینک از «استیعاب» ابن عبد البر آندلسی قدری از حال و خصوصیات وی را بیان می‌نمائیم.

حُجر بن عدی کندی از فضلاء اصحاب رسول خدا بوده و با وجود صغر سن از بزرگان آنها محسوب می‌شده است.

در جنگ صفین ریاست لشکر کینه را داشت و در جنگ نهروان میسره لشکر امیر المؤمنین علیه السلام به دست او بود. چون معاویه به زیاد بن ابیه حکومت عراق و ماوراء آن را داد و زیاد از سوء سیرت و غلظت و تند، آنچه در توان داشت ظاهر نمود، حُجر بن عدی او را از ولایت و حکومت عراق خلع کرد و معاویه او را خلع نکرد و جماعتی از اصحاب و شیعیان علی علیه السلام از حُجر پیروی نمودند. و روزی که زیاد در آمدن نماز تأخیر کرد، حُجر و اصحابش او را با ریگ زدند.

زیاد جریان را به معاویه نوشت و او امر کرد تا حُجر را به نزد وی بفرستد. زیاد، حُجر را در زمره دوازده مرد دیگر که همگی در غلّ آهنین به زنجیر کشیده بودند با همراهی وائل بن حذجر حَضْرَمی به سوی معاویه ارسال نمود. معاویه شش نفر از آنها را کشت و شش نفر را زنده نگهداشت و حُجر بن عدی در جمله آن شش تن بود که کشته شدند.

چون خبر به غلّ کشیدن حُجر و اصحابش توسط زیاد به عایشه در مدینه رسید، عبد الرحمن بن حارث بن هشام را به سوی معاویه در شام فرستاد و پیام داد که: الله الله فی حُجر و أصحابه «خدا را خدا را در نظر بگیر درباره حُجر و اصحاب او» ولیکن چون عبد الرحمن بن حارث به شام رسید، دید که حُجر و پنج نفر از اصحاب او را کشته‌اند.

عبد الرحمن بن حارث به معاویه گفت: حِلْم ابو سفیان از تو درباره حجر و اصحابش در کجا پنهان شد؟ چرا آنها را در زندان‌ها حبس نکردی تا بدین وسیله آنها را در معرض مرض طاعون درآوری و بدینگونه بمیرند؟ معاویه گفت: چون مثل تو در قوم من پیدا نمی‌شد این فکر به نظر من نیامد.

عبد الرحمن گفت: به خدا قسم که دیگر عرب برای تو حلمی را و رأی و تدبیری را نمی‌شناسد. گروهی از مسلمانان را که به طور اسارت به نزد تو آوردند کشتی؟ معاویه گفت: پس من چکار کنم؟ درباره آنها زیاد به من نامه‌ای نوشت و امر آنها را تشدید می‌کرد و متذکر می‌شد که آنها در حکومت من بزودی ایجاد پارگی و گسیختگی خواهند نمود که قابل وصله زدن نباشد.

و پس از این جریان، معاویه به مدینه آمد و بر عایشه وارد شد. اولین سخنی را که عایشه با او گفت کشتن حُجر بود در ضمن گفتار طولی که بین آن دو نفر جاری شد، و سپس عائشه گفت: مرا بر حُجر واگذار تا در نزد پروردگارمان ملاقات حاصل شود.

محلّی که در آنجا حُجر بن عدی و یارانش کشته شدند به مَرَج عَدْرَاء معروف است. و چون خواستند گردن او را بزنند، دو رکعت نماز مختصر بجای آورد و به کسانی که از اهل او حضور داشتند گفت: بعد از کشتن من، غل و زنجیر آهنین را از من بر ندارید و خونهای مرا مشوئید، زیرا که من پروردگارم را بر این نهج ملاقات می‌کنم.

و از مبارک بن فضاله وارد است که می‌گفت: شنیدم از حسن بصری که چون نام معاویه و کشتن او حُجر و یارانش را برد، گفت: وَيْلَ لِمَنْ قَتَلَ حُجْرًا وَ اصْحَابَ حُجْرٍ « ای وای بر آن کسی که حُجر را و اصحاب حُجر را کشت.

و احمد می‌گوید: من به یحیی بن سلیمان گفتم: « اَبْلَغَكَ اَنْ حُجْرًا كَانَ مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ « آیا به تو رسیده است که حُجر مستجاب الدعوه بود؟ قال: نَعَمْ، وَ كَانَ مِنْ اَفْضَالِ اَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ (وَ آلِهِ) وَ سَلَّمَ. گفت: آری، و حُجر از افاضل اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

و ما از أبو سعید مقبری روایت می‌کنیم که گفت: چون معاویه حج کرد، به مدینه برای زیارت آمد و از عائشه اذن خواست تا برای ملاقات با او برود و عائشه به وی اذن داد. چون معاویه نشست، عائشه به او گفت: ای معاویه آیا تو خود را در امان یافتی که من در قصاص خون برادرم: محمد بن ابی بکر کسی را در اینجا پنهان کرده باشم تا تو را بکشد؟ معاویه گفت: در خانه امان وارد شده‌ام. عائشه گفت: ای معاویه در کشتن حُجر و یارانش از خدا نترسیدی؟ معاویه گفت: کسی ایشان را کشته است که شهادت بر علیه آنان داده است.

و از مسروق بن أجدع روایت است که من از عائشه شنیدم که می‌گفت: أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَلِمَ مُعَاوِيَةُ أَنَّ عِنْدَ أَهْلِ الْكُوفَةِ مَتْعَةً مَا اجْتَرَأَ عَلَى أَنْ يَأْخُذَ حُجْرًا وَ أَصْحَابَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ حَتَّى يَقْتُلَهُمْ بِالسَّامِ، وَ لَكِنْ ابْنُ أَكِلَةَ الْاَكْبَادِ عَلِمَ أَنَّهُ قَدْ ذَهَبَ النَّاسُ، وَ أَمَا اللَّهُ إِنْ كَانُوا لِيَجْمَعُمَا الْعَرَبُ عِزًّا وَ مَتْعَةً وَ فِقْهًا. وَ لِلَّهِ دُرٌّ لَبِيدٌ حَيْثُ يَقُولُ:

ذَهَبَ الَّذِينَ يُعَاشُ فِي أَكْثَانِهِمْ / وَ بَقِيَتْ فِي حَلْفٍ كَجِلْدِ الْأَجْرَبِ (ترجمه شعر در شماره 1)

لَا يَتَفَقَّهُونَ وَ لَا يُرْجَى خَيْرُهُمْ / وَ يُعَابُ قَائِلُهُمْ وَ إِنْ لَزِمَ يَشْتَعَبُ (ترجمه شعر در شماره 2)

« آگاه باشید، قسم به خداوند که اگر معاویه در میان اهل کوفه عزّت و قدرتی را می‌دانست چنین جرأتی را پیدا نمی‌کرد تا آنکه حُجر و اصحاب او را از میان کوفیان دستگیر کند و در شام آنها را بکشد. ولیکن این پسر خورنده جگرها (هند جگر خوار زوجه أبو سفیان، و مادر معاویه که در غزوه احد، جگر حضرت حمزه سید الشهداء را جوید) دانسته است که مردم و شخصیت‌ها همه از بین رفته‌اند (و کسی با شخصیت باقی نمانده است). آگاه باشید سوگند به خداوند که حَقّاً آنها برای سران عرب مایه عزّت و بزرگواری و فقاقت بودند. و خداوند بر لبّید شاعر گذشته رحمت خود را چون باران ببارد که گفته است:

1- « رفتند کسانی که در ظلّ وجود آنان می‌توانستم زندگی کنم، و من باقی مانده‌ام در میان بازماندگانی که همچون پوست بدن حیوان جَرَب دار که مبتلا به مرض جَرَب و سودا و گال است می‌باشند (یعنی آن کسانی که از گذشتگان مردند و از بین رفتند همچون حیوان صحیح و سالم و فربه‌ای بوده‌اند که از مزایای آنها ادامه حیات می‌دادم ولیکن این بازماندگان نه سلامتی دارند نه فربهی و همچون پوست شتر و گاو جرب زده هستند که انتفاعی ندارند).

2- این بازماندگان و اخلاف گذشتگان، منفعتی نمی‌رسانند و انتظار خبر و رحمتی از آنها نمی‌رود، و اگر کسی در میان آنها سخن به حقّ بگوید مورد ملامت و عیب قرار می‌گیرد و اگرچه تهییج شرّ و فساد نکرده باشد.

و در وقتی که خبر قتل حُجر بن عدی، به ربیع بن زیاد حارثی که از بنی حارث بود و مرد عالم و فاضل جلیلی بود و در خراسان از ناحیه معاویه عامل او بود رسید خدای عزّ و جلّ را به دعا خواند و گفت: «بار پروردگارا، اگر برای ربیع در نزد تو خیری هست جان وی را به سوی خودت بستان و در این امر تعجیل نما». ربیع هنوز از نشیمنگاه خود برنخاسته بود که همانجا بمرد. و قتل حُجر بن عدی در سنه پنجاه و یک بوده است.

امیرالمومنین علی (ع) فرمود: شگفت از واقعه بین ماه‌های جمادی و نجف

علامه طهرانی در کتاب امام شناسی جلد 12 صفحه 180 می‌نویسد:

«ابن شهر آشوب گوید: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ در خطبه قصیه گفته‌اند: الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ. و قوله عليه السلام: وَ أَيْ عَجَبٍ أَعْجَبُ مِنْ أَمْوَاتٍ يَضْرِبُونَ هَامَاتِ الْأَحْيَاءِ

«شگفت و تمام شگفت آن واقعه‌ای است که بین ماه جمادی و ماه رجب واقع می‌شود» و نیز گفته‌اند: «کدام شگفتی بالاتر از آنست که مردگانی (کسی که در حقیقت قلبش مرده است) بر سر زندگانی (کسانی که در حقیقت زنده‌اند) بزنند؟»

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خبر دادند به کشته شدن جماعتی از اصحاب خود که از جمله آنان است: حُجْرُ بْنُ عَدِي، رُشَيْدُ هَجْرِي، كَمِيلُ بْنُ زِيَادِ نَخَعِي، مَيْثَمُ تَمَارٍ، مُحَمَّدُ بْنُ أَكْثَمٍ، خَالِدُ بْنُ مَسْعُودٍ، حَبِيبُ بْنُ مَظَاهِرٍ، جُوَيْرِيَّةُ بْنُ مُسْهَرٍ، عَمْرُو بْنُ حَمِقٍ، قُتَيْبَرٌ، مُدَرَّعٌ وَ غَيْرُهُمْ و به اوصاف کشندگان اینها و کیفیت کشتنشان اشاره نموده‌اند.

و نکته جالب این است که نبش قبر شریف حجر بن عدی نیز بین جمادی و رجب واقع شد!